

بعضی‌ها فرهنگ و ظرفیت پولدار شدن ندارند

# ثروت‌های یک شبه و نوکیسه‌های توهم زده

■ مریم ترابی

با یکی از دوستان دوران دانشگاهی‌ام سال‌ها بعد از اتمام درس و دانشگاه رفت و آمد داشتیم تا اینکه دو سال پیش خیلی ناگهانی تصمیم گرفت دیگر با ما رفت و آمدی نداشته باشد و در کل با تمام دوستان آن دوران خود قطع ار تباط کرد. همه ما چندتا دوستی که سؤال‌های بیشماری در ذهنمان ایجاد شده بود. از هیچ کس و هیچ جا هم جواب این علامت سؤال‌ها را نمی توانستیم جویا شویم. در نتیجه نسنسنتیم، بازل‌های نامر تب! این جریان را کنار هم چیدیم و شکل ما-چرا بر ایمان مشخص شد. این بازل تکمیل شده اصلا ظاهر قشنگی نداشت. ظاهر کلی این بازل چیده شده فقط یک حرف را به ما می‌زد «جابه جایی طبقاتی!» خ خریدن خانه در یکی از خیابان‌های گرانیقیمت شهر، سوار شدن ماشین چند صد میلیونی، تغییر سبک زندگی و در آخر دوستی با آدم‌هایی که شبیه ما نبودند. این دوست عزیز ما همانطور که ظاهر زندگی‌اش تغییرات اساسی کرد ظاهر و چهره خودش نیز بسیار تغییر کرد.او دیگر خودش را متعلق به قشر و طبقه ما نمی‌دانست. در روزهای آخر دوستی‌مان یادم است که اصلا او را نشناختم و هر چه در ظاهر و لحن کلامش می‌گشتم آن یار و رفیق قدیمی خودم را پیدا نمی‌کردم. دوستم ما در زیر لایه‌های ظاهری زندگی گم شده بود. شنیده‌ام که این روزها بسیار تنها و افسرده است ولی نمی‌خواهد از دوستان قدیمی این موضوع را کسی بفهمد.

■ پولدار شدن ظرفیت می‌خواهد

پول، ثروت، موقعیت عالی اجتماعی و شغلی همه و همه بسیار خوب است، اما داشتن هر کدام از اینها نیاز به ظرفیت پذیری دارند که اگر فاقد این ظرفیت باشیم در بازی زندگی باختیم. شاید بهتر است بگوییم در کنار ظرفیت پذیرش آن باید فرهنگ ثروت و پولداری را نیز داشته باشیم. ثروتمندان

### سبک نگرش

■ کسری محمدیان

دختر یکی از اقوام دور ما به رشته پزشکی خیلی علاقه‌مند بود. از نظر درس و مدرسه هم اوضاعش چندان بد نبود ولی در حد رشته پزشکی هم نبود، اما به یمن دانشگاه‌های بسیاری که مثل قارچ مرتب در حال رشد هستند و با کمک پول پدر جان، ایشان راهی یکی از پردیس‌های دانشگاهی شدند و حالا دیگر عنوان خانم دکتر را با خود به همراه دارند. بعد از گذشت دو سال این پردیس دانشگاهی به دلایلی که ما از آن بی‌خبریم تمام دانشجویهای پزشکی خود را به یکی از مهم‌ترین دانشگاه‌های کشور منتقل کرد. حالا این دانشجویهای محترم در کنار آن دانشجویهای محتمشکی که شب تا صبح، روز تا شب، ماه تا سال به خود سختی دادند تا وارد این دانشگاه بشوند، در یک کلاس می‌نشینند و به همه چیز می‌دهند که ما دانشجوی پزشکی فلان دانشگاه معتبر هستیم! ظاهر هیچ فرقی هم بین این دانشجویها و آن دانشجویان نیست؛ و وقتی در یک دانشگاه و با امکانات مساوی در حال تحصیل هستند، فقط یکی با پول پدر و یکی با سعی و تلاش وارد این دانشگاه شده است همین! وقتی مدرک لیسانس و فوق‌لیسانس خود را روی فلان اداره بگذار ی ظاهراً کسی نمی‌پردد از دانشگاه بدون کنکور بولی مدرک گرفته‌ای یا! این مدرک نتیجه سال‌ها زحمت برای قبولی در یک دانشگاه معتبر دولتی و فارغ‌التحصیلی از آن بوده است. ■■■

قصه دانشگاه و دانشجو در کشور ما قصه تازه و جدیدی نیست اما همه به این موضوع اذعان داریم که ماندن تحصیل کنکور و پشت درهای دانشگاه دیگر معنایی ندارد. خلاصه هر کسی که بخواهد و دوست داشته باشد حتماً در یکی از دانشگاه‌های تازه تأسیس با عناوین جدید می‌تواند با پرداخت هزینه‌های مورد درخواست تحصیل کرده و مدرک لیسانس و فوق‌لیسانس خود را بارائه پایان‌نامه‌های آماده‌ای که به راحتی خرید و فروش می‌شود، دریافت کند. در نهایت، هم این دانشجو فوق‌لیسانس دارد هم آن دانشجوی درس‌خوان، نخبه با رتبه عالی فارغ‌التحصیل از فلان دانشگاه معتبر کنکور و

# سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱

### نقد خود

مرور چند رفتار ساده که حکایت بی‌ظرفیتی برخی از ماست

## جنبه داشته باشیم، همین!

■ حسین گل محمدی

واقعاً جنبه چیز خوبیه! این جمله را حتماً بارها و بارها شنیده‌اید. آدم‌هایی که برای دیگران انواع و اقسام جوک‌ها و شوخی‌ها را می‌سازند و به راحتی دیگران را دست می‌اندازند و به نوعی برای خود اسباب تفریح فراهم می‌کنند ولی اگر کسی بر حسب اتفاق چیزی به این افراد بگوید فقط باید نشست و تماشا کرد که چه می‌کنند. در را به تخته می‌کوبند و کاسه را به کوزه می‌زنند و خلاصه معر‌ک‌ای به راه می‌اندازند که بیا و ببین! هستند کسانی که همه جوره از ما ایراد می‌گیرند اما خودشان تاب کوچک‌ترین انتقادی را ندارند، بسپارند کسانی که تا کمی از آنها تعریف می‌کنی کلاً آدم دیگری می‌شوند و خلاصه اینکه باید گفت جنبه داشتن و ظرفیت داشتن چیز خوبی است.

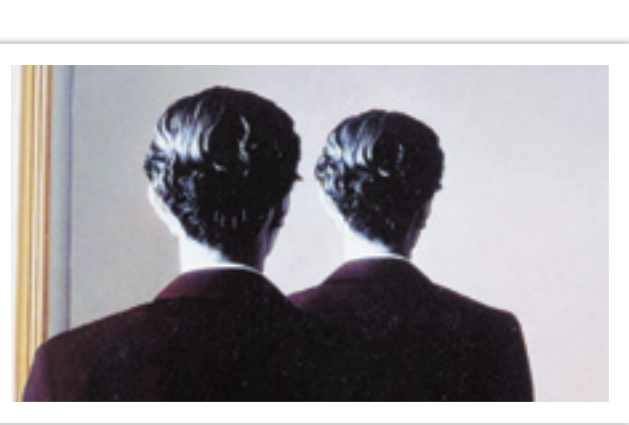
■ اینقدر بیانیته صادر نکنیم

در میان ما از هر قشر و طبقه‌ای یاد ر هر موقعیت اجتماعی که باشیم هستند آدم‌هایی که به خود حق می‌دهند همه را دست ببندازند، برای همه جوک بسازند و کلی بخندند، ولی اگر با آنها کوچک‌ترین شوخی‌ای کنی ناراحت و دلگیر می‌شوند و در شکل حاد آن دست به اعتراض رسانهای و صدور بیانیته و غیره می‌زنند! گفتم صدر و بیانیته یاد سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیون و سینمای کشور افتادم که کارگردان‌های بیچاره از ترس اعتراض و صدور بیانیته نمی‌دانند شغل شخصیت‌گیلمنامه خود را از چه صنفی انتخاب کنند که به صنف خاصی برخورد یا حتی با لحنه شخصیت‌های داستان خود نیز دچار مشکل هستند چون حتماً مردمان شهری را طاقف‌ای بهشان برمی‌خورد و در نتیجه دست به اعتراض و صدور بیانیته می‌زنند.

■ جنبه خارج رفتن داشته باشیم

از بی‌جنبگی در شوخی که بگذریم یکی دیگر از بی‌جنبگی‌های برخی ما ایرانی‌ها این است که وقتی پایمان به کشور‌های خارج می‌رسد خودمان را فراموش می‌کنیم. وقتی هم به سرزمین مادری برمی‌گردیم آنچه در خارج از کشور دیده‌ایم را با فرهنگ کشور خود مخلوط می‌کنیم، معجون عجیب و غریبی درست می‌شود که اکنون در سطح جامعه خود شاهد آن هستیم. در حقیقت بعضی‌ها جنبه دارند یا ظرفیت بالایی دارند که به هر کشوری بروند تغییر رنگ نمی‌دهند اما بعضی‌ها در جامعه اسلامی هم کلی گناه

دارند و دارای توانایی و مهارت خودکنترلی هستند. اگر کسی با ما شوخی کرد ظرفیت پذیرش این شوخی را داشته باشیم و حتی اگر این رفتار باعث رنجش و دلخوری ما شد او را ببخشیم زیرا این فقط یک شوخی بوده است. ■ نقدپذیر باشیم روحیه نقدپذیری و نقدکنندگی را در خود تقویت کنیم، البته نقد سالم و نقدی که خارج از بغض و کینه و حسادت باشد. نقدی که جدا از تعریف و تمجید یا حمله نمودن و به کار بردن کلمات متاب‌الود باشد. در واقع نقد یک روش بررسی آگاهانه و مدبرانه است که حاصل آن سازندگی، تعامل و پیشرفت بیشتر است، نه ایجاد تنش‌های مخرب!انتظار نداشته باشیم همه از ما ماضی و خرسند باشند. همیشه آماده شنیدن انتقاد دیگران باشیم و این انتقاد راهی برای بهتر شدن ما و فعالیت ما باشد. در برابر دیگران جبهه‌نگیریم و بگذاریم دیگران در کمال امنیت و آرامش نظرشان را نسبت به ما و هنر و فعالیت ما ابراز کنند و این نقدها و نظرات مختلف را با نگاه مثبت ببینیم.



دارند و دارای توانایی و مهارت خودکنترلی هستند. اگر کسی با ما شوخی کرد ظرفیت پذیرش این شوخی را داشته باشیم و حتی اگر این رفتار باعث رنجش و دلخوری ما شد او را ببخشیم زیرا این فقط یک شوخی بوده است. ■ نقدپذیر باشیم روحیه نقدپذیری و نقدکنندگی را در خود تقویت کنیم، البته نقد سالم و نقدی که خارج از بغض و کینه و حسادت باشد. نقدی که جدا از تعریف و تمجید یا حمله نمودن و به کار بردن کلمات متاب‌الود باشد. در واقع نقد یک روش بررسی آگاهانه و مدبرانه است که حاصل آن سازندگی، تعامل و پیشرفت بیشتر است، نه ایجاد تنش‌های مخرب!انتظار نداشته باشیم همه از ما ماضی و خرسند باشند. همیشه آماده شنیدن انتقاد دیگران باشیم و این انتقاد راهی برای بهتر شدن ما و فعالیت ما باشد. در برابر دیگران جبهه‌نگیریم و بگذاریم دیگران در کمال امنیت و آرامش نظرشان را نسبت به ما و هنر و فعالیت ما ابراز کنند و این نقدها و نظرات مختلف را با نگاه مثبت ببینیم.

■ کلاه خود را قاضی کنیم

چقدر خوب است هر کدام از ما بشینیم و

یکی را با هم که شده کلاه خود را قاضی کنیم. رفتار و برخورد خود را در برابر رفتار و گفتار دیگران، شرایط و موقعیت‌های مختلفی که در آن قرار می‌گیریم و غیره مورد بررسی

می‌کنند و ظرفیت دارند.

■ جنبه تعریف و تمجید دیگران را داشته باشیم

از این دست بی‌ظرفیتی‌ها و بی‌جنبگی‌ها بسیار می‌توان مثال زد. مثلاً بعضی از افراد هم هستند که جنبه تعریف یا انتقاد را ندارند. این افراد چه از آنها انتقاد شود و چه تعریف دچار مشکل می‌شوند. کافیتست فقط از آنها تعریف مختصر و ناچیزی انجام دهید، بادی به بغیغ خود می‌اندازند و به قول قدیمی‌ها ادعای خدایی می‌کنند. دیگری نمی‌شود با آنها مثل قبل از تعریف به عمل آمده دوست و هم صحبت شد. اگر از آنها انتقاد هم بکنی دشمن قسم خورده‌ات می‌شوند یا مثلاً کافی است از طرف مقابل تشکر کنیم و انتقادهایی که از ما می‌شود را با روی خوش پذیرا باشیم. این‌تکسه را فراموش نکنیم که یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های اجتماعی کشورهای توسعه‌نیافته، کمبود فرهنگ نقدهای سازنده و فقدان فرهنگ انتقادپذیری است. بنابراین آنچه بیش از هر چیز دیگری می‌تواند جامعه را به سوی سالم‌تر شدن و پیشرفت سریع‌تر هدایت کند، گسترش فرهنگ انتقاد و نقدپذیری است.

چقدر خوب است هر کدام از ما بشینیم و

یکی را با هم که شده کلاه خود را قاضی کنیم. رفتار و برخورد خود را در برابر رفتار و گفتار دیگران، شرایط و موقعیت‌های مختلفی که در آن قرار می‌گیریم و غیره مورد بررسی

## د

پول، ثروت، موقعیت عالی اجتماعی و شغلی همه و همه بسیار خوب است، اما داشتن هر کدام از اینها نیاز به ظرفیت پذیرشی دارند که اگر فاقد این ظرفیت باشیم در بازی زندگی باختیم. شاید بهتر است بگوییم در کنار ظرفیت پذیرش آن باید فرهنگ ثروت و پولداری را نیز داشته باشیم. ثروتمندان یا پولدارهای اصیل که با کار و تلاش به پول و ثروت رسیده‌اند فرهنگ و ظرفیت بالای این موقعیت‌ها را به خوبی دارند



شهرودان بر اساس میزان ثروت و دارایی آنها سنجیده و ارزش انسان‌ها نیز در آن قالب تعریف می‌شود.

■ پولدار شدن فرهنگ می‌خواهد

در سطرهای قبلی به ضرورت وجود فرهنگ ثروت و پولداری اشاره کردیم که در سال‌های اخیر فقدان این فرهنگ بدجور شکل و ظاهر جامعه را زمخت و بد قیافه کرده است. ثروتمند شدن فوری و بدون تلاش بعضی‌ها حکایت همان گدایی است که یک شبه پادشاه می‌شود. به راستی کسانی که فرهنگ استفاده از پول و ثروت را ندارند وقتی یک شبه پولدار می‌شوند قرار است چه رفتار متین و متواضعانه‌ای از آنها دیده‌شود؟ طبیعتاً نباید انتظار زیادی از آنها داشته باشیم زیرا این افراد عادت به زندگی مرفه ندارند. وقتی فرهنگ استفاده از پول و ثروت وجود نداشته باشد رفتارهای ناهنجار و غیراخلاقی در جامعه بسیار شیوع پیدا می‌کند. فخرشویی و نگاه از بالا به پایین به دیگران، نادیده گرفتن ارزش‌های انسانی، فساد و... به شدت در جامعه شایعه شده و سلامت جامعه به خطر می‌افتد. در همین نقطه است که عده‌ای به دلیل پولدار بودن دچار توهم می‌شوند و ادعای می‌کنند از زن‌های برترند و بر دیگران ارجحیت دارند.

برای ایجاد فرهنگ پولداری در جامعه باید توزیع نابرابر و ناعادلانه فرصت‌ها در جامعه اصلاح شود که این هم منوط به همت دولت به عنوان بزرگ‌ترین کارگزار و پیمانکار در جامعه است که تمامی رانته‌های موجود در عرصه اقتصادی در قالب‌های مختلف را حذف کند و با اصلاح ساختار اداری و مالی کشور، شفاف‌سازی را در دستک‌ساز ی را نیز به دنبال داشته است. به هر چتین شرایطی به ثروت دست پیدا می‌کنند، گام‌های آنها در مسیر افزایش ثروت می‌تواند در مسیر کلی پیشرفت اقتصادی کشور مثمر ثمر باشند. همچنین پولدارهای با فرهنگی که ثروت و اندوخته خود را به روش‌های صحیح به دست آورده‌اند به ارزش‌های واقعی جامعه احترام می‌گذارند و با ثروت خود به دیگران آسیبی وارد نمی‌کنند.

این دلیل که نسل جدید صبر و تحمل ندارد و خیلی سریع می‌خواهد به نتیجه برسد. نسل جدید جامعه در هر شرایطی خود را محق یک شغل با پرستیژ و پر درآمد می‌داند. نسل جدید این را نمی‌داند که برای به دست آوردن کار و شغل مورد نظر باید تلاش کند، آموزش ببیند، باید یاد بگیرد که نسبت به وظیفه‌ای که برعهده‌اش گذاشته می‌شود مسئولیت‌پذیر باشد. این را نمی‌داند که در شروع راه باید بسیار زحمت بکشد تا به آن جایگاهی که آرزو دارد و هدفش است، برسد. البته تنها مقصر این راحتی نسل جدید خود او نیست بلکه بخش اعظم آن به والدین این نسل برمی‌گردد. نسل جدید از کودکی هر چه که خواسته سریع به دست می‌آورد است. والدین با تربیت غلط خود این تصور ذهنی را برای فرزندان ایجاد کرده‌اند که در بزرگسالی هم هر چه می‌خواهند باید سریع به دست بیاورند. از کودکی به او آموزش‌های لازم برای موفقیت در آینده رانده‌اند. به او تفکر غلط که در نتیجه تربیت نادرست از سویی و رسیدن به خواسته‌ها از طریق پول به جای تلاش از سوی دیگر ایجاد شده است، فرهنگ کار و تلاش را به سمت نابودی می‌کشاند.

می‌گوییم فرهنگ تن‌پروری در حال رواج است به در نهایت هر دوی اینها در یک صف قرار می‌گیرند. در اینجاست که سختکوشی و تلاش رنگ می‌بازد و انگیزه و هدف را در جوانان کوشای کشور اگر از بین نبرد حتماً کم‌رنگ می‌کند. بی‌شک با کم‌ترین تلاش بدون هیچ دردسری به نتیجه دلخواه رسیدن بروندان رانت یا همان پارتی‌بازی و دور زدن قوانین و مواردی از این دست است. ته این قصه تن‌پروری و تبیلی است و اینکه بدون تلاش به هر چه که می‌خواهید برسید! وقتی والدین همه امکانات را از کودکی در اختیار فرزندان خود قرار می‌دهند، وقتی نمی‌گذارند آب در دل فرزندانشان تکان بخورد، نتیجه همان می‌شود که اکنون شاهد هستیم. جوانانی بیکار که منتظرند یکی پیدا شود به آنها میزی با حقوق مناسب و بیمه و مزایا بدهد. اصلاً هم حاضر نیستند به خود سختی بدهند و کمی برای زندگی تلاش کنند تنها به این دلیل که یک مدرک از یکی از دانشگاه‌های کشور زیر بغل زده‌اند. این تفکر غلط که در نتیجه تربیت نادرست از سویی و رسیدن به خواسته‌ها از طریق پول به جای تلاش از سوی دیگر ایجاد شده است، فرهنگ کار و تلاش را به سمت نابودی می‌کشاند.

می‌گوییم فرهنگ تن‌پروری در حال رواج است به

